

علامت‌های

قیامت

تأليف:

محمود رجب حمادی الوليد

مترجم:

اسحاق دبیری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

شناسنامه کتاب

علامت‌های قیامت	نام کتاب:
محمود رجب حمادی الوليد	تأليف:
اسحاق دبیری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ	ترجمه:
1392 هـ. ش / 1435 هـ. ق	سال چاپ:

نوبت چاپ: اول

www.aqeedeh.com

www.islamhouse.com

www.sadaiislam.com

www.videofarsi.com

www.islamtxt.net

www.mowahedin.com

سایت های مفید:



Mowahedin Group

contact@mowahedin.com

فهرست

باب اول: بحث‌ها در موضوع قیامت..... 3

3..... بحث اول: روز قیامت.....

5..... بحث دوم: علامت‌های قیامت.....

باب دوم: ظهور علامت‌های قیامت..... 7

7..... بحث اول: اولین علامت‌های قیامت.....

9..... بحث دوم: علامت‌های قیامت در زمان حیات پیامبر ﷺ.....

10..... بحث سوم: علامت‌هایی که در زمان خلافت چهار خلیفه واقع شدند.....

14..... بحث چهارم: علامت‌هایی که در زمان تابعین به وقوع پیوستند.....

15..... بحث پنجم: علامت‌های بعد از خیر القرون.....

16..... بحث ششم: انکار حجت بودن سنت و دعوی اکتفا به قرآن.....

18..... بحث هفتم: زیاد شدن قتل و فساد.....

22..... بحث هشتم: تغیر یافتن حالت مردم.....

25..... بحث نهم: سختی‌ها و مصیبت‌ها.....

27..... بحث دهم: بعضی امور خیری که از نشانه‌های قیامت می‌باشد.....

باب سوم: فصل‌ها در موضوع فتنه..... 29

29..... فصل اول: معنای فتنه.....

31..... فصل دوم: در زمان فتنه حفظ ایمان مشکل می‌گردد.....

- 32..... فصل سوم: دین به دنیا فروخته می‌شود.....
- 32..... فصل چهارم: به عمل آخرت دنیا طلب کرده شود.....
- 35..... باب چهارم: علامت‌های کبری.....**
- 35..... فصل اول: خروج مهدی.....
- 36..... فصل دوم: ظاهر شدن معدن طلا در فرات.....
- 36..... فصل سوم: فتح روم.....
- 37..... فصل چهارم: دجال.....
- 38..... فصل پنجم: کشتارِ یهود.....
- 38..... فصل ششم: نزول عیسی علیه السلام.....
- 41..... فصل هفتم: یاجوج و ماجوج.....
- 43..... فصل هشتم: برآمدن آفتاب از مغرب.....
- 43..... فصل نهم: دابه‌ی زمین.....
- 44..... فصل دهم: ظاهر شدن دود.....
- 45..... فصل یازدهم: نسیم خوش.....
- 46..... فصل دوازدهم: ظاهر شدن آتش.....
- 47..... فصل سیزدهم: سه فرو بردن زمین.....
- 47..... فصل چهاردهم: خراب شدن کعبه.....
- 47..... فصل پانزدهم: خراب شدن مدینه.....
- 48..... فصل شانزدهم: قرآن از سینه‌ها و کتاب‌ها برداشته شود.....
- 48..... فصل هفدهم: مردم دوباره به شرک برمی‌گردند.....
- 51..... خلاصه‌ی نشانه‌های قیامت.....**

باب اول

بحث‌ها در موضوع قیامت

بحث اول: روز قیامت

س: آن وقتی راسه در آن قیامت واقع می‌شود چه می‌نامند؟

ج: آن رابه عربی "الساعة" می‌گویند.

س: ساعت یا قیامت کی واقع می‌شود؟

ج: در این موضوع اللہ تعالیٰ می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا ۚ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا ۗ﴾ ﴿٤٢﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ
مُنْتَهَاهَا ۗ ﴿٤٣﴾ إِنَّهَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّحْشَاهَا ۗ ﴿٤٤﴾ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا
عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ۗ﴾ ﴿٤٥﴾ [النازعات: 42-46]

«وازه تودر باره ی قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود. تو را بایاد آوری این سخن چه کار؟ نهایت آن (قیامت) به سوی پروردگار تو است. کار توفیق بیم دادن کسانی است که از آن می ترسند. آخدا در آن روز که قیام قیامت رایی بینند چنین احساس می کنند که گویی توفیقشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاه صی یا صبح آن بیشتر نبوده است.»

س: این آیت الهی به چه دلالت می کند؟

ج: به چند امر مهم:

۱- روز و واقع شدن قیامت رابه جز اللہ تعالیٰ هیچ کسی حتی پیامبر ﷺ هم نمی داند. او تنها به این مأمور

گردیده که از علامت ها و سختی های آن روز خبر و بیم بدهد؛

۲- این خبر و بیم، تنها به کسانی منفعتی می‌رساند که به واقع شدن آن روز ایمان داشته‌اند و از رسوایی در آن بترسند؛

۳- روز قیامت آن چنان سخت و دشوار است که حیات چندین سازه‌ی انسان در نظرش بسیار اندک و ناچیزی نماید. یعنی تمام لذت‌ها و خوشی‌هایی را که در دنیا تجربه کرده‌اند ناچیز و بی‌ارزش می‌سازد.

س: رسول اللہ ﷺ درباره‌ی این موضوع چه گفته‌اند؟

ج: در آخر حدیث معروف به «حدیث ایمان، اسلام و احسان» جبرئیل علیہ السلام از رسول اللہ ﷺ چنین پرسید:

«فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ»^(۱) «مر از روز واقع شدن قیامت خبر دار کن که کدام روز می‌باشد؟ رسول اللہ ﷺ در پاسخ چنین گفتند: در این موضوع سؤال شده از سؤال کننده بیشتر خبر ندارد»؛ یعنی آن روز رازنه من می‌دانم و نه تو.

س: از این حدیث شریف چه نتیجه‌ای گرفته می‌شود؟

ج: می‌فهمیم که اللہ تعالی آن روز را حتی به مقرب‌ترین و نزدیک‌ترین بندگانش، مثل جبرئیل علیہ السلام از فرشتگان، و محمد ﷺ از پیشوای پیامبران، اطلاع نداده و آن را به ذات خود اختصاص داده است.

س: چگونه مباحث بالا چیست؟

ج: اللہ سبحانه و تعالی وقت آن روز را به هیچ شخصی، حتی به نزدیکترین فرشته و بزرگ‌ترین پیامبر خبر نداده است. کسی که ادعای کند که وقت آن روز را می‌داند، دروغگو و کذاب است، زیرا چنین ادعایی، ادعای دانستن علم غیب است، که او را از دین خارج می‌کند.

بحث دوم: علامت‌های قیامت

س: منظور از علامت‌های قیامت چیست؟

ج: مراد از آن، کارهایی است که قبل از قیامت واقع گردیده و به نزدیک شدن آن روز، دلالت نماید.

س: آن علامت‌ها چند دسته می‌باشند؟

ج: دو دسته: ۱- علامت‌های صغری (کوچک)؛ ۲- علامت‌های کبری (بزرگ).

س: علامت‌های صغری چند نوعند؟

ج: سه نوع: ۱- علامت‌هایی که ظاهر شده و به انتها رسیده‌اند؛ ۲- علامت‌هایی که ظاهر شده و تا امروز ادامه دارند؛ ۳- علامت‌هایی که قبل از علامت‌های کبری در آینده واقع می‌شوند.

س: آن علامت‌هایی که قبل از علامت‌های کبری واقع می‌شوند کدامند؟

ج: ۱- ظاهر شدن پرچم‌های سیاهی که از بر آمدن مهدی خبر می‌دهند؛ ۲- ظاهر شدن معدن طلا در زیر دریای فرات و شعله‌ور شدن آتش جنگ به خاطر آن؛ ۳- درگیری‌های بین امام مهدی و دشمنانش؛ ۴- فرورفتن زمین لشکر سفیانی در ذوالحلیفه؛ ۵- انتخاب شدن مهدی به رهبری مسلمانان و بیعت بزرگان شام و عراق با وی.

س: علامت‌های کبری قیامت چند گروه هستند؟

ج: دو گروه: ۱- ماکوف و مراد از آن، خروج دجال، نزول عیسی علیه السلام و خروج یاجوج و ماجوج می‌باشد؛ ۲- غیر ماکوف، یعنی بر آمدن آفتاب از مغرب، بر آمدن دابّه یعنی جانوری، دود، یعنی فرا گرفتن دودی اطراف و اکناف عالم را و فروکش‌های زمین.

س: آیا غیر از این علامت‌های صغری و کبری، فرارسیدن قیامت نشانه‌های دیگری نیز دارد؟

ج: آری، از جمله ویران کردن خانه کعبه، خالی‌مدینه از سکنه، برداشته شدن قرآن از دل‌ها و مصحف‌ها و غیره.

باب دوم

ظهور علامت‌های قیامت

بحث اول: اولین علامت‌های قیامت

س: اولین علامت نزدیک شدن قیامت کدام است؟

ج: بعثت حضرت محمد ﷺ، سه در سال ۶۱۰ میلادی به وقوع پیوست.

س: چرا گفته می‌شود سه آشکار شدن پیامبری محمد ﷺ از نزدیک شدن قیامت خبر می‌دهد؟

ج: در این موضوع رسول ﷺ چنین گفته‌اند:

«بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ» قَالَ: وَصَمَّ السَّبَّابَةَ وَالْوُسْطَى»^(۱) «زمان پیامبری من و

برپاشدن قیامت مانند (تفاوت طول) این دو انگشت می‌باشد. این را گفت و دو انگشت خود یعنی سبابه و انگشت وسط را با هم جمع کرد».

در حدیث دیگر چنین آمده است:

قال عوف بن مالك: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي عَزْوَةِ تَبُوكَ وَهُوَ فِي قُبَّةٍ مِنْ أَدَمٍ، فَقَالَ: «اعْدُدْ سِتًّا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ: مَوْتِي، ثُمَّ فَتْحُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، ثُمَّ مَوْتَانٌ يَأْخُذُ فِيكُمْ كَفِعَاصِ الْعَنَمِ، ثُمَّ اسْتِفَاضَةُ الْمَالِ حَتَّى يُعْطَى الرَّجُلُ مِائَةَ دِينَارٍ فَيَطْلُ سَاحِطًا، ثُمَّ فِتْنَةٌ لَا يَبْقَى بَيْتٌ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا دَخَلَتْهُ، ثُمَّ هُدْنَةٌ تَكُونُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ

1- متفق عليه، لفظ حدیث از مسلم می‌باشد.

بَنِي الْأَصْفَرِ، فَيَعْدِرُونَ فَيَأْتُونَكُمْ تَحْتَ ثَمَانِينَ غَايَةً، تَحْتَ كُلِّ غَايَةٍ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا»⁽¹⁾
 عوف بن مالک رضی اللہ عنہ می گوید: در جنگ «تبوک» نزد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم آمدم، و ایشان در بنایی بودند که به شکل گنبد ساخته شده بود. گفت: «شش واقعه ای را که در هنگام نزدیک شدن قیامت واقع می گردند بشمار:

۱- وفات من؛

۲- بعد آن فتح «بیت المقدس»؛

۳- مرگ و میر، یعنی مرگ تعداد بسیار زیادی از انسان ها در اثر بیماری هایمانند بیماری قعاص
 گوسفندان [که شبیه وبامی باشد]؛

۴- بعد این پول و مال آن چنان بسیار گردد، که به کسی صد دینار داده شود باز هم (آن را ناچیز دانسته) آزرده بماند؛

۵- بعد آن فتنه ای به پاخیزد که هیچ خانه عربی از آن آرام نماند؛

۶- بعد این بین شتا و بنی اسفر - یعنی رومی ها - صلح می شود، که آنان پیمان را می شکنند و زیر هشتاد پرچم، یعنی لشکر هشتاد دولت، ناگهان به شام حمله می کنند. در زیر پرچم هر دولتی دوازده هزار لشکر خواهد بود.»

س: خلاصه این بحث چیست؟

ج: اولین علامت نزدیک شدن قیامت، آشکار شدن پیامبری محمد صلی اللہ علیہ وسلم بوده و وفات رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم نیز از این علامت ها به شمار می رود.

بحث دوم: علامت‌های قیامت در زمان حیات پیامبر ﷺ

س: آیا در زمان حیات پیامبر ﷺ صحیح علامتی به وقوع پیوسته است؟

ج: آری، در این موضوع، الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ﴾ [القدر: 1]

«قیامت نزدیک شد و ماه شکانه شد».

در حدیث شریف آمده است:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: أَنْشَقَّ الْقَمَرَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شِقَّتَيْنِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اشْهَدُوا»⁽¹⁾ از عبد الله

ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: در زمان رسول الله ﷺ ماه دوپاره گردید و رسول الله به مردم

گفت: «شاهد باشید».

ابن کثیر می‌گوید: واقعه دوپاره شدن ماه، چنانچه در احادیث متواتر با سند صحیح آمده است، در زمان

رسول الله ﷺ واقع گردیده و یکی از معجزه‌های آشکار آن جناب می‌باشد.

س: چگونه این واقعه می‌تواند هم علامت نزدیک شدن قیامت و هم معجزه‌ی پیامبر باشد؟

ج: اما علامت قرب قیامت بودنش چنان که گذشت در قرآن آمده است. این چنین معنی دارد که ماه از زمان خلق شدنش تا آن روز، پاره نشده است. اما معجزه بودن آن از آن جهت است که اهل مکه به رسول الله ﷺ گفتند: اگر تو پیامبر بر حق هستی، معجزه‌ای نشان بده. بعد از آن، رسول الله ﷺ دعا کرد و اللہ تعالیٰ موافق خواسته او، ماه را دوپاره گردانید، چنانکه در روایتی آمده است:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُرِيَهُمْ آيَةً «فَأَرَاهُمْ انْشِقَاقَ الْقَمَرِ»⁽¹⁾ «اهل مکه از رسول الله ﷺ خواستند که برای ایشان معجزه‌ای نشان دهد، که در جواب، دوپاره شدن ماه را به ایشان نشان داد.»

س: خلاصه این بحث چیست؟

ج: علامت‌های نزدیک شدن قیامت از زمان آشکار شدن پیامبری محمد ﷺ آغاز گردیده و در زمان حیاتش نیز به وقوع پیوسته است.

بحث سوم: علامت‌هایی که در زمان خلافت چهار خلیفه واقع شدند

س: آیا در زمان خلفای راشدین هیچ علامتی به وقوع پیوسته است؟

ج: آری، این علامت‌ها به وقوع پیوستند:

۱- فتح بیت المقدس، که در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه واقع شده است و آن را رسول الله ﷺ

در حدیث متفق علیه از علامت‌های قیامت گفته اند؛ چنانچه می فرماید:

«اعْدُدْ سِتًّا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ: مَوْتِي، ثُمَّ فَتْحُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ...»⁽¹⁾ «شش علامتی

را که قبل از قیامت به وقوع پیوند بشمار: وفات من و فتح بیت المقدس»؛

۲- وبای عمواس. عمواس نام شهری در فلسطین می باشد، که در سال هجدهم هجری وبای مرگباری در آن

شایع شد و هزاران نفر، از جمله بسیاری از اصحاب

پیامبر ﷺ وفات نمودند؛ کسانی مثل امین امت، ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه؛

۳- قتل امام. یکی از علامت‌های نزدیک شدن قیامت، این است که مسلمانان امام خود را به ناحق

می کشند. در این موضوع حدیثی آمده است:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَقْتُلُوا إِمَامَكُمْ، وَتَجْتَلِدُوا

بِأَسْيَافِكُمْ، وَبِرِثْ دُنْيَاكُمْ بِشِرَارِكُمْ»⁽²⁾ «قسم به ذاتی که جانم به دست اوست، تا

که شما امامتان را نکشید و همدیگر را با شمشیر نزنید و امور دنیایی شمار ابدترین‌های شما میراث نبرند،

قیامت برپا نشود» (چنان که معلوم است امام مقتول حضرت عثمان رضی الله عنه می باشد)؛

۴- جنگ بین دو گروه بزرگ مسلمانان. در این موضوع رسول الله ﷺ می فرماید:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَقْتَتِلَ فِتْنَانِ عَظِيمَتَانِ، يَكُونُ بَيْنَهُمَا مَقْتَلَةٌ عَظِيمَةٌ،

دَعْوَتُهُمَا وَاحِدَةٌ». (رواه الشیخان) «تا زمانی که دو گروه بزرگ که به سوی یک چیز دعوت

می دهند، بایکدیگر به جنگ نپردازند و کشتار بزرگی میان آنان رخ ندهد قیامت برپا نخواهد شد».

چنان که معلوم است، در این حدیث به جنگ «جمل» و «صفین» اشاره شده است.

س: آیا علامتی وجود دارد که از زمان پیامبر ﷺ ظاهر شده و تا قیامت ادله یابد؟

ج: در این موضوع رسول الله ﷺ می فرماید:

1- متفق علیه.

2- ابن ماجه و ترمذی آن را روایت کرده اند. امام ترمذی درجه ی حدیث را حسن می داند، ام شیخ آل بانی در کتاب ضعیف ترمذی

(2170) و در کتاب ضعیف ابن ماجه (806) و در کتاب سلسله الأحادیث الضعیفة و الموضوعة (204) این حدیث را ضعیف

دانسته است.

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُبْعَثَ دَجَالُونَ كَذَّابُونَ، قَرِيبٌ مِنْ ثَلَاثِينَ، كُلُّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ»^(۱) «تازمانی که نزدیک به سی دجال دروغگو، ظهور نکنند که همگی آنان ادعای پیامبری می‌کنند، قیامت برپا نخواهد شد».

چنان‌که معلوم است در زمان رسول الله ﷺ ابن صیاد ادعای پیامبری کرده بود. در این موضوع در روایتی آمده است:

وَقَدْ قَارَبَ ابْنُ صَيَّادٍ الْحُلْمَ، فَلَمْ يَشْعُرْ حَتَّى ضَرَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهِ، ثُمَّ قَالَ لِابْنِ صَيَّادٍ: «تَشْهَدُ أَيُّ رَسُولُ اللَّهِ؟» فَنَظَرَ إِلَيْهِ ابْنُ صَيَّادٍ فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ الْأُمِّيِّينَ. فَقَالَ ابْنُ صَيَّادٍ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَتَشْهَدُ أَيُّ رَسُولُ اللَّهِ؟ فَرَفَضَهُ، وَقَالَ: «أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ»^(۲) «در آن روزها ابن صیاد به بلاغت نزدیک شده بود، واز آمدن رسول الله ﷺ آگاه نگردید، که پیامبر ﷺ به پشتش زدوبه او گفت: آیا شهادت می‌دهی که من پیامبر الله می‌باشم؟ ابن صیاد گفت: شهادت می‌دهم، که تو رسول امی‌ها هستی. بعد ابن صیاد گفت: آیا تو شهادت می‌دهی، که من رسول الله می‌باشم؟ رسول الله ﷺ سختش رازد کرد و گفت: به الله و رسولانش ایمان آورده‌ام».

بر اساس گزارش‌های تاریخی، زمانی که مسیله کذاب ادعای پیامبری کرد، و ابو بکر صدیق رضی الله عنه لشکری فرستاد که او و پیروانش را تارو مار کردند. اسود عنسی، طلحه ابن خویلد و سجاح کاهن همه در زمان صحابه ادعاهای مشابهی کردند. در زمان تابعین، مختار ثقفی نیز ادعای پیامبری کرد و دو قرن قبل در سال ۱۲۳۳ هجری، میرزا عباس در ایران در قرن بیستم محمد طاهار سودان ادعای پیامبری کرد، که در سال ۱۹۸۵ کشته شد. این سلسله تا بر آمدن دجال ادامه می‌یابد. در این باره رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

1- متفق علیه.

2- متفق علیه.

«وَإِنَّهُ وَاللَّهِ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّىٰ يَخْرُجَ ثَلَاثُونَ كَذَّابًا آخِرُهُمُ الْأَعْوَرُ الدَّجَالُ»⁽¹⁾

«تسم به الله تاسی دروغگو، که آخرین آنان دجال یک چشم است، نیاید، قیامت برپا نگردد»؛

۵- ظهور خوارج: یکی از علامت‌های نزدیک شدن قیامت، ظهور خوارج است. رسول الله ﷺ

در مورد آنان فرموده‌اند:

«يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ، حَدَثَاءُ الْأَسْنَانِ، سُفَهَاءُ الْأَحْلَامِ، يَقُولُونَ مِنْ خَيْرِ قَوْلِ
الْبَرِيَّةِ، يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، لَا يُجَاوِزُ إِيمَانُهُمْ
حَنَاجِرَهُمْ، فَأَيْنَمَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاقْتُلُوهُمْ، فَإِنَّ قَتْلَهُمْ أَجْرٌ لِمَنْ قَتَلَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»⁽²⁾

«در آخر زمان، گروهی کم سن و سال و نادان می آیند که سخنان خوبی از قرآن به زبان می آورند ولی از اسلام، خارج می شوند همانطور که تیر از کمان، خارج می شود و ایمان آنان از حنجره‌هایشان فراتر نمی رود. پس هر جا که آنان را دیدید، آنها را بکشید. زیرا هر کس، آنها را بکشد، روز قیامت، پاداش دریافت خواهد کرد».

نشانه‌های این طایفه در حیات رسول الله ﷺ آشکار شد؛ چنان که هنگام تقسیم غنیمت‌های جنگی به پیامبر ﷺ عیب گرفته و گفتند: «اعْدِلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ»⁽³⁾ «به عدالت رفتار کن، ای پیامبر خدا».

یعنی مال غنیمت را عادلانه تقسیم نما! در آن زمان، حضرت عمر رضی الله عنه خواست ایشان را بکشد، ولی رسول الله ﷺ او را منع کرد و از خروج آنان [از دین] خبر داد. همچنین، وقتی که در زمان خلافت حضرت علی رضی الله عنه با حضرت معاویه رضی الله عنه بعد از جنگ، صلح اعلام شد، آنان از صلح ابا کردند و در مقابل حضرت علی رضی الله عنه شمشیر کشیدند. آن حضرت پس از مشورت با اصحاب بزرگوارش، با آنان جنگید و تار و مارشان کرد. پس

1- مسند احمد.

2- متفق علیه.

3- متفق علیه.

از این واقعه، در صد و انتقام بر آمدند و او را هنگام رفتن به مسجد برای ادای نماز صبح، سخت مجروح کردند، که در اثر آن، به شهادت رسید.

بحث چهارم: علامت‌هایی که در زمان تابعین به وقوع پیوستند

جعل احادیث دروغ به نام رسول الله ﷺ:

«يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ دَجَالُونَ كَذَّابُونَ، يَأْتُونَكُمْ مِنَ الْأَحَادِيثِ بِمَا لَمْ تَسْمَعُوا أَنْتُمْ، وَلَا آبَاؤُكُمْ، فَإِيَّاكُمْ وَإِيَاهُمْ، لَا يُضِلُّونَكُمْ، وَلَا يَفْتِنُونَكُمْ». وفي رواية: «سَيَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي أَنَاسٌ يُحَدِّثُونَكُمْ مَا لَمْ تَسْمَعُوا أَنْتُمْ، وَلَا آبَاؤُكُمْ، فَإِيَّاكُمْ وَإِيَاهُمْ»⁽¹⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: «در آخر زمان دجالان دروغ‌گو پیدامی شوند و آنان برای شما احادیثی روایت می‌کنند، که آن رانه شناسیده‌اید، نه پدرانتان. از آنان حذر نمایید که گمراه و منحرف‌تان نسازند».

در روایتی دیگر آمده است: «در آخر زمان، در امت من مردمانی پیداشوند و برای شما حدیث‌هایی روایت می‌کنند، که نه شما و نه پدرانتان آن را شنیده‌اید؛ از آنان حذر نمایید».

به گزارش تاریخ، در زمان تابعین چنین عمل زشتی رواج و در جامعه انتشار یافت. امام مالک رحمته الله علیه از جمله اولین کسانی بود که در موضوع قبول حدیث و شناختن صحیح و ناصح آن، اصول و قواعدی وضع

کرد. بعد هاد یگر محدثین نیز اصول بیشتری وضع کرده و بایایه ریزی علم « حدیث شناسی » راه‌های نشر و بسط این مفسده را مسدود نمودند. امام مالک گفته است:

ما به اهل عراق حدیثی را می فرستادیم، که (فرضاً) یک وجب بود؛ اما وقتی آن حدیث [از جانب ایشان] به ما می رسید، به مقدار یک ذراع شده بود.

یعنی در آن بسیار چیزها را از پیش خود اضافه می کردند. الحمد لله با جهد و کوشش محدثین، این راه گسترش فساد بسته شده و تازمانی که محدثین در حیاتند، بسته خواهد ماند.

بحث پنجم: علامت‌های بعد از خیر القرون

۱- ظاهر شدن آتشی در سرزمین حجاز:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَخْرُجَ نَارٌ مِنْ أَرْضِ الْحِجَازِ تُضِيءُ أَعْنَاقَ الْإِبِلِ بِبُصْرَى»^(۱)
[پیامبر خدا ﷺ فرمود: «تازمانی که آتشی از سرزمین حجاز بر نیاید و گردن‌های شتران را در بُصر (شهری از شهرهای شام) روشن نکند قیامت واقع نشود».

ابن کثیر در "البدایة والنهایة" نوشته است:

بعد از آن، سال ۶۵۴ در آمد، که در آن، آتشی در سرزمین حجاز ظاهر گردید که در احادیث، متفق علیه ذکر گردیده، که گردن‌های شتران را در بُصر روشن می کرد؛

۲- جنگ در برابر تاتار و مغول:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ التُّرْكَ، قَوْمًا وَجُوهُهُمْ كَالْمَجَانِّ الْمُطْرَقَةِ يَلْبَسُونَ الشَّعْرَ، وَيَمْسُونَ فِي الشَّعْرِ»^(۲) [پیامبر خدا ﷺ فرمود: «تازمانی که

1- متفق علیه.

2- مسلم و أبوداود و نسائی آن را روایت کرده‌اند.

مسلمانان، ترک‌ها را نکشند، یعنی قومی را که روی‌هایشان مثل سپر (یعنی گرد و دایره شکل بوده) و لباس‌ها و کفش‌هایشان از پشم است، قیامت برپا نشود».

این جنگ بالشکر تا تار و مغول در قرن هفت هجری واقع شد و آنان در سال ۶۵۶ هجری، بغداد را به تسلط خود درآوردند.

بحث ششم: انکار حجت بودن سنت و دعوی اکتفا به

قرآن

یکی از نشانه‌های آخر زمان، که باعث دور شدن مردم از دین می‌گردد، نپذیرفتن احادیث رسول الله ﷺ به بهانه‌ی اکتفا به قرآن می‌باشد. این عمل، در ابتدا، وارد کردن خبر واحد در مسائل عقیدتی آغاز شده و سرانجام، به رد کردن تمام سنت‌های انجام‌دهنده رسول الله ﷺ در این مورد فرموده‌اند: «أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ، وَمِثْلَهُ مَعَهُ، أَلَا يُوشِكُ رَجُلٌ شَبَعَانُ عَلَىٰ أَرِيكَتَيْهِ يَقُولُ: عَلَيْنَا بِهَذَا الْقُرْآنِ فَمَا وَجَدْتُمْ فِيهِ مِنْ حَلَالٍ فَاحْلُوهُ، وَمَا وَجَدْتُمْ فِيهِ مِنْ حَرَامٍ فَحَرِّمُوهُ»، «وَإِنَّ مَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ كَمَا حَرَّمَ اللَّهُ»^(۱) «خبردار باشید، که قرآن و مثل آن، به همراه قرآن به من داده شده است. نزدیک است (زمانی که) مرد شکم‌سیری به تخت خود بنیاید کرده و بگوید: بر شما لازم است، که به این قرآن عمل نمایید، آنچه را در آن حلال یا قبیح بدانید آن را حلال یا حرام بگویید و آنچه را حرام یا قبیح بدانید آن را حرام بگویید. (آگاه باشید که) آنچه را رسول الله حرام کرده است مثل آن چیزی است که الله حرام کرده است».

منکران حجت بودن سنت رسول الله ﷺ به این حدیث موضوع استدلال می‌کنند:

1- آبوداود و ابن ماجه و ترمذی آن را روایت کرده و شیخ‌البنانی نیز در کتاب المشكاة (1/ 58 و 164) آن را صحیح دانسته است.

«مَا جَاءَ عَنِّي مِنْ حَدِيثٍ، فَأَعْرِضُوهُ عَلَى الْقُرْآنِ، فَإِنْ وَجَدْتُمْ لَهُ أَصْلًا فَخَذُوا بِهِ وَإِلَّا فَرُدُّوهُ»⁽¹⁾ «هر گاه حدیثی را از قول من شنیدید آن را به قرآن قیاس کنید. پس اگر در آن حدیث اصلی [از اصول قرآن را] یافتید به آن عمل نمایید، در غیر این صورت، آن را رد کنید».

این حدیث، باطل است و ساخته و پرداخته کافران و دشمنان اسلام است. این طایفه در تمام جهان اسلام پرانگنده اند. امام سیوطی رحمته الله در رد آنان کتاب «مفتاح الجنة في الاحتجاج بالسنة» را نگاشته و دانشمندان معاصر صیحون «علاءه تلقی عثمانی» و «علاءه رفیع عثمانی» نیز کتاب‌هایی در این زمینه به رشته تحریر درآورده اند. این طایفه، در هند و پاکستان به نام پریمی‌ها مشهورند، در مصر، در رأس آنان، سید صالح و احمد صبحی منصور قرار دارند، که در تالیفات خود به امثال عمر بن خطاب و ابوهریره رضی الله عنهما - از صحابه - و امام بخاری رحمته الله و دیگران از رویان حدیث عیب گرفته، و با سوء نیت وحیده گری قرآن را در مقابل حدیث می‌گذارند و با آیات قرآن، بعضی احادیث را رد می‌کنند و به این وسیله، مردم جاهل را فریب داده و گمراه می‌سازند. این گروه برخی از اعتقادات اسلامی را رد می‌کنند؛ از جمله: شفاعت، معراج نبی صلی الله علیه و آله، رجم (سنگسار) زناکار و علامت‌های قیامت. در مورد حکم این طایفه امام سیوطی در «مفتاح الجنة» می‌گوید:

بدانید! کسی که حجت بودن حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله را انکار کند، کافر و از دایره اسلام خارج می‌گردد و فردای قیامت به همراه یهود و نصاری، یا گروه کافرانی که الله تعالی خواسته باشد زنده می‌شود.

1- حدیث موضوع می‌باشد. العجلونی در کتاب کشف الخفاء (89/1) می‌گوید: این حدیث موضوع است. بی‌هیچ‌ی در الدلائل (27/1) این حدیث را ذکر کرده و محقق آن می‌گوید: دارقطنی در کتاب الأفراد خود آن را آورده و می‌گوید که تنها اشعث ابن بزاز آن را روایت کرده و او فردی بسیار ضعیف است. العقلمی هم آن را در کتاب الضعفاء آورده است، و حدیث منکر است. باز می‌گوید: هیچ اسناد صحیحی ندارد، و در این معنی و مفهوم احادیث زیادی وارد شده اند که همه‌ی آنها یا موضوع بوده و یا اینکه در نهایت ضعف هستند. وی می‌گوید در تذکره الحفاظ از قول خطابی وارد شده که گفت: زنادقة این حدیث را وضع کرده اند. در تخریج مفتاح الجنة اثر آبی معاذ محمود بن امام بن منصور نیز این گونه وارد شده است.

بحث هفتم: زیاد شدن قتل و فساد

کمرنگ شدن علم، بی برکت گردیدن وقت و زیاد شدن قتل و فساد، یکی از علامت‌های نزدیک شدن قیامت است. بدین صورت:

۱- علم دین برداشته شود و جهل و بی سوادی در امور دین افزایش یابد و اشخاص جاهل و نااهل، مفتی و مجتهد می شوند و در رأس امور دین قرار می گیرند. رسول الله ﷺ در این مورد می فرماید: «إِنَّ بَيْنَ يَدَيَّ السَّاعَةِ لَأَيَّامًا، يَنْزِلُ فِيهَا الْجَهْلُ، وَيُرْفَعُ فِيهَا الْعِلْمُ»⁽¹⁾ «قبل از وقوع قیامت روزهایی هست، که در آن جهل انتشار یابد و علم برداشته شود». در حدیث دیگری فرموده اند:

«إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ ثَلَاثَةٌ: إِحْدَاهُنَّ أَنْ يَلْتَمَسَ الْعِلْمَ عِنْدَ الْأَصَاغِرِ»⁽²⁾ «سه چیز از علامت‌های قیامت هستند: یکی از آنها، طلب کردن علم از اشخاص ناکس و پست است». همچنین فرموده اند:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ الْعِبَادِ، وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ، حَتَّى إِذَا لَمْ يَبْقَ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا جُهَالًا، فَسُئِلُوا فَأَفْتَوْا بِغَيْرِ عِلْمٍ، فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا»⁽³⁾ «اللہ تعالی علم را به شکلی که آن را از مردم بگیرد، بر نمی دارد، بلکه با از بین بردن علمای دینی برمی دارد. وقتی عالمی باقی نماند، مردم جاهلان را پیشوا می کنند و از آنان سؤال می کنند و ایشان بدون داشتن دانش، فتوی می دهند، که در نتیجه، خود گمراه شده و دیگران را نیز گمراه می سازند»؛

1- متفق علیه.

2- حدیث صحیح بوده و طبرانی و دیگران آن را روایت کرده اند. آلبانی نیز در صحیح الجامع (2207) آن را صحیح دانسته است.

3- متفق علیه.

۲- بی برکت شدن وقت و افزایش بخل و ق- تل به ناحق:

«يَتَقَارَبُ الزَّمَانُ، وَيَنْقُصُ الْعِلْمُ، وَتَظْهَرُ الْفِتْنُ، وَيَلْقَى الشَّحَّ، وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ»،
 قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، آيَةٌ هُوَ؟ قَالَ: «الْقَتْلُ، الْقَتْلُ»⁽¹⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: «از
 جمله علامت‌های قیامت، [بی برکت شدن زمان، کم گردیدن عمل، ظهور فتنه‌ها، بخیل شدن
 نفس‌ها و افزایش هرج و مرج می باشد». گفتند: یا رسول الله، هرج و مرج چیست؟ فرمود:
 «قتل، قتل».

در موضوع بی برکت گردیدن روزها، رسول الله ﷺ فرمودند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ، فَتَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ، وَالشَّهْرُ
 كَالْجُمُعَةِ، وَتَكُونُ الْجُمُعَةُ كَالْيَوْمِ، وَيَكُونُ الْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ، وَتَكُونُ السَّاعَةُ
 كَالضَّرْمَةِ بِالنَّارِ»⁽²⁾ «تا وقتی که زمان به هم نزدیک نشود و سال، مثل ماه و ماه، مثل هفته و
 هفته، مثل یک روز و روز، مثل یک ساعت و ساعت، مثل وقت افروختن آتش، کم (یعنی
 بی برکت) نگردد، روز قیامت فزاید»؛

۳- زیاد شدن قتل به ناحق در بین مسلمانان:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكْثُرَ الْهَرْجُ» قَالُوا: وَمَا الْهَرْجُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ:
 «الْقَتْلُ الْقَتْلُ»⁽³⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: «تا زمانی که هرج و مرج نیفزاید،
 قیامت برپا نشود». پرسیدند: هرج و مرج چیست؟ گفت: «قتل، قتل».

در حدیث دیگری فرماید:

1- حدیث متفق علیه بوده و ابوداود نیز آن را در سنن خود روایت کرده است که لفظ حدیث از ایشان می باشد.

2- ترمذی آن را روایت کرده و آل‌بانی در کتاب الصحیحۃ (2/538/2332) و المشکاۃ (5448) آن را صحیح دانسته است.

3- متفق علیه، و لفظ حدیث از مسلم است.

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا، حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ يَوْمٌ لَا يَدْرِي الْقَاتِلُ فِيمَ قَتَلَ، وَلَا الْمَقْتُولُ فِيمَ قُتِلَ». فَقِيلَ: كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: «الْهَرْجُ، الْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ»⁽¹⁾ «قسم به ذاتی، که جان من به دست اوست، تا زمانی نیاید، که قاتل نداند که برای چه قتل کرده است و مقتول نداند که برای چه کشته شده است، دنیا به آخر نرسد». پرسیدند: چگونه باشد؟ گفت: «به خاطر زیاد شدن قتل، قاتل و مقتول به دوزخ روند».

در حدیث دیگر فرموده است:

«إِنَّ بَيْنَ يَدَيَّ السَّاعَةِ لَهَرْجًا». قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْهَرْجُ؟ قَالَ: «الْقَتْلُ، الْقَتْلُ» فَقَالَ بَعْضُ الْمُسْلِمِينَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا نَقْتُلُ الْآنَ فِي الْعَامِ الْوَاحِدِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ كَذَا وَكَذَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَيْسَ بِقَتْلِ الْمُشْرِكِينَ، وَلَكِنْ يَقْتُلُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، حَتَّى يَقْتُلَ الرَّجُلُ جَارَهُ وَابْنَ عَمِّهِ وَذَا قَرَابَتِهِ». فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَعَنَا عُقُولُنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا، تُنَزَّعُ عُقُولُ أَكْثَرِ ذَلِكَ الزَّمَانِ، وَيُخْلَفُ لَهُ هَبَاءٌ مِنَ النَّاسِ لَا عُقُولَ لَهُمْ»⁽²⁾ «قبل از وقوع قیامت هرج و مرج خواهد بود». گفتند: هرج و مرج چیست؟ گفت: «قتل». عده‌ای گفتند: ای

رسول خدا، ماهر سال تعداد زیادی از مشرکان را می‌کشیم. رسول الله ﷺ در جواب گفت: «این، قتل مشرکان نیست، بلکه قتلی است که شما هم دیگر را می‌کشید؛ حتی هسایه، پسر عم و خویشاوندان خود را می‌کشند». بعضی پرسیدند: «آیا مادر آن روز دارای عقل و خرد نخواهم بود؟» گفت: «نه، آن روز عقل‌های اکثر مردم برداشته شده و مردم بی‌خردی به میدان

1- صحیح مسلم.

2- حدیث صحیح است، این ماجه آن را روایت کرده و آلبانی در صحیح سنن ابن ماجه (3/298/ح/3213) و در سلسله الأحادیث الصحیحة (1682) آن را صحیح دانسته است.

بیابند که از عقل محروم باشند»؛

4- انتشار زنا، و فساد، کم شدن تعداد مردان و حلال دانستن ربا. در این موضوع رسول الله ﷺ

می فرماید:

«إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يُرْفَعَ الْعِلْمُ، وَيُظْهَرَ الْجَهْلُ، وَيَفْشُو الزَّانَا، وَيُشْرَبَ

الْخَمْرُ، وَيَذْهَبَ الرَّجَالُ، وَتَبْقَى النِّسَاءُ حَتَّى يَكُونَ لِحَمْسِينَ امْرَأَةً قِيَمٌ وَاحِدٌ»⁽¹⁾

«از علامت‌های قیامت، برداشته شدن علم، انتشار جهل، افزایش باده نوشی، زنا و کم شدن شمارهی مردان می باشد؛ حتی برای پنجاه زن یک مرد خواهد بود».

در دیگر حدیث می فرمایند:

«لَيَشْرَبَنَّ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرَ يُسْمُونَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا»⁽²⁾ «گروهی از امت من، نام

دیگری بر شراب خناده و آن را می نوشند».

همچنین فرموده اند:

«إِذَا ظَهَرَ الزَّانَا وَالرَّبَّا فِي قَرْيَةٍ، فَقَدْ أَحَلُّوا بِأَنْفُسِهِمْ عَذَابَ اللَّهِ»⁽³⁾ «چون در شهری

زنا و ربا انتشار یابد، اهل آن عذاب خدا را برای خود حلال کرده اند».

در حدیثی دیگر آمده است:

«إِذَا ظَهَرَ الشَّرُّ فِي الْأَرْضِ أَنْزَلَ اللَّهُ بِأَسْهُ بِأَهْلِ الْأَرْضِ»، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَإِنْ

كَانَ فِيهِمْ قَوْمٌ صَالِحُونَ؟ قَالَ: «نَعَمْ، وَإِنْ كَانَ فِيهِمْ قَوْمٌ صَالِحُونَ يُصِيبُهُمْ مَا

1- صحیح مسلم.

2- سنن ابوداود و مسند امام احمد. شیخ آلبنی در کتاب صحیح الجامع (2/1904/5069) و در الصحیحة (90) آن را صحیح دانسته است.

3- حدیث صحیح است، طبرانی و حاکم آن را روایت کرده و شیخ آلبنی نیز در کتاب صحیح الجامع (679) و در غایة المرام (344) و در تخریج فقه السیره (370) آن را صحیح دانسته است.

أَصَابَ النَّاسَ، ثُمَّ يَرْجِعُونَ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَمَغْفِرَتِهِ»⁽¹⁾ «چون در روی زمین کارهای بد و ناشایست گسترش یابد، اللہ تعالیٰ عذاب خود را بر مردم نازل می‌کند». روای می‌گوید: گفتیم: ای رسول خدا، اگر در بینشان مردم صالح باشند، آیا آنان را نیز شامل می‌شود؟ فرمود: «بله، اگر در بینشان مردم صالح باشند، آنان را نیز شامل می‌شود و بعد از آن، مشمول بخشش و رحمت خداوند می‌شوند».

بحث هشتم: تغییر یافتن حالت مردم

یکی از نشانه‌های نزدیک شدن روز قیامت، این تغییر یافتن حالت مردم از خیر و نیکی به شر و بدی است؛ به شکل‌های زیر:

۱- تفاخر به زیبا ساختن مسجدها و پایبند نبودن به نماز جماعت:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَبَاهَى النَّاسُ فِي الْمَسَاجِدِ»⁽²⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: «تا زمانی که مردم به زینت دادن مسجدها (با نقش و نگار، نه با عبادت در آن) فخر فروشی نکنند، قیامت برپا نشود»؛

۲- ازداد غل مساجد عبور کرده در آن نماز نمی‌خوانند:

«إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَمُرَّ الرَّجُلُ فِي الْمَسْجِدِ لَا يُصَلِّي فِيهِ رُكْعَتَيْنِ»⁽³⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: «یکی از علامت‌های قیامت این است که شخص از داخل مسجد می‌گذرد ولی در آن دو رکعت نماز نمی‌خواند»؛

1- حدیث صحیح است، امام احمد و طبرانی و حاکم و دیگران آن را روایت کرده، و آل‌بانی در صحیح الجامع (680) و در الصحیحۃ (1376) نیز آن را صحیح دانسته است.

2- سنن أبوداود، مسند أحمد و صحیح ابن حبان؛ شیخ آل‌بانی در صحیح الجامع (7421) و الروض (138) و صحیح سنن آبی داود (475) این حدیث را صحیح دانسته است.

3- صحیح ابن خزیمه، شیخ آل‌بانی در الصحیحۃ (2/649) آن را صحیح دانسته است.

۳- تنه‌به‌آشنایان سلام داده می‌شود، پیوندهای خویشاوندی قطع شده و شهادت دروغ و باطل گسترش می‌یابد:

«أَنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ تَسْلِيمَ الْخَاصَّةِ، وَفُشُوَ التَّجَارَةَ، حَتَّى تُعِينَ الْمَرْأَةُ زَوْجَهَا عَلَى التَّجَارَةِ، وَقَطَعَ الْأَرْحَامَ، وَشَهَادَةَ الزُّورِ، وَكَيْتَمَانَ شَهَادَةِ الْحَقِّ، وَظُهُورَ الْقَلَمِ»⁽¹⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: «علامت‌های نزدیک شدن قیامت [عبارتند از:] تنه‌به‌اشخاص خاص سلام دادن، زیاد شدن تجارت، چنانکه زن شوهرش را در تجارت کمک کند، قطع صله‌ی رحم، شهادت دروغ دادن، پنهان کردن شهادت به حق و انتشار قلم [یعنی قلم فرسایی و چاپ و نشر امور گمراه‌کننده و فاسد]». در روایت دیگری آمده است:

«إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ، إِذَا كَانَتِ التَّحِيَّةُ عَلَى الْمَعْرِفَةِ»⁽²⁾ «از علامت‌های قیامت، تنه‌به‌آشنایان سلام دادن است»؛
4- تقلید کورکورانه از کفار:

«لَتَتَّبِعَنَّ سَنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ، سَبْرًا بِشَبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّى لَوْ دَخَلُوا فِي جُحْرِ ضَبِّ لَاتَّبَعْتُمُوهُمْ». قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى؟ قَالَ: «فَمَنْ»⁽³⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: «همانا از راه و روش کسانی که قبل از شما بوده‌اند، و جب به‌وجب و گام به‌گام پیروی خواهید کرد؛ حتی اگر به‌لانه‌ی سوسماری رفته باشند، شما نیز خواهید

1- امام بخاری در الأدب المفرد، و امام احمد در مسند خود آن را روایت کرده‌اند. شیخ‌الالبانی نیز در الصحیحۃ (2/246) و (6/633) آن را صحیح دانسته است.

2- حدیث صحیح است. طبرانی در المعجم الکبیر و امام احمد در مسند خود آن را روایت کرده‌اند، شیخ‌الالبانی در الصحیحۃ (2/248) نیز آن را صحیح دانسته است.

3- متفق علیه، لفظ حدیث از مسلم می‌باشد.

رفت». راوی می‌گوید: گفتیم: ای رسول خدا! منظور از گذشتگان بیهود و نصارا است؟ فرمود: «پس چه کسی است؟!»

5- فرزندان با پدر و مادرشان مانند خدمتکاران رفتار می‌کنند و اشخاص پست و نوکیسه، صاحب مال و جاه می‌شوند. در این موضوع در حدیث مشهور به «حدیث جبرئیل» آمده است: «قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: «مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ» قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَتِهَا، قَالَ: «أَنَّ تِلْدَ الْأُمَّةِ رَبَّتَهَا، وَأَنَّ تَرَى الْخِفَاءَةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوُلُونَ فِي الْبُنْيَانِ»⁽¹⁾ [جبرئیل عليه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: از روز واقع شدن قیامت به من خبر بده؟ رسول الله صلی الله علیه و آله در پاسخ گفت: سؤال شده [یعنی من در این موضوع] از سؤال کننده [یعنی از تو] بیشتر خبر ندارم. باز پرسید: از نشانه‌های قیامت خبر بده؟ رسول الله صلی الله علیه و آله گفت: از نشانه‌های قیامت این است که کینز ارباب خود را بزرگوارند [یعنی مادران از جانب فرزندان چنان بی‌احترامی اذیت و آزاری ببینند که گویا کینز فرزندان ایشان هستند] و اشخاص پست و بی‌سروپا، بناهای بلند بسازند؛

6- مردان سرو و ریش سفیدشان را بارنگ سیاه رنگ می‌کنند. «يَكُونُ قَوْمٌ يَخْضِبُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ بِالسَّوَادِ، كَحَوَاصِلِ الْحَمَامِ، لَا يَرِيحُونَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ»⁽²⁾ [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخر زمان قومی هستند، که بارنگ سیاهی مثل سینه‌های کبوترها [کبوتر سیاه] سرو و ریش خود را رنگ می‌کنند. این گروه از مردم از بوی بهشت محروم هستند»؛

1- متفق علیه، لفظ حدیث از مسلم می‌باشد.

2- ابوداود و نسائی آن را روایت کرده، و آل‌بانی در غایة المرام (106) و المشكاة (3352) و صحیح الجامع (8153) آن را صحیح دانسته است.

7- در امانت‌ها خیانت شود و امور مردم به دست ناصحان بیفتد. در این موضوع رسول الله ﷺ

فرموده‌اند:

«إِذَا ضُيِّعَتِ الْأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ» قَالَ: كَيْفَ إِضَاعَتُهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «إِذَا أُسْنِدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ»⁽¹⁾ «چون امانت ضایع گردد، منتظر قیامت باش». پرسیدند: چگونه ضایع شود؟ گفت: «چون امور مردم به دست ناصحان بیفتد منتظر قیامت باش».

بحث نهم: سختی‌ها و مصیبت‌ها

یکی از نشانه‌ها و علامت‌های نزدیک شدن روز قیامت، این است که مسلمانان به مشکلات گوناگون گرفتاری شوند؛ به صورتی که:

۱- امت‌های غیر مسلمان برای تاراج کردن ملک و اموال مسلمانان، یکدیگر را دعوت و ترغیب

می‌کنند. رسول الله ﷺ در این مورد می‌فرماید:

«يُوشِكُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ الْأُمَمُ مِنْ كُلِّ أَفْقٍ كَمَا تَدَاعَى الْأَكَلَةُ عَلَى قَصْعَتِهَا» قَالَ: قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَمِنْ قَلَّةٍ بِنَا يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: «أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ، وَلَكِنْ تَكُونُونَ غُثَاءً كَغُثَاءِ السَّيْلِ، تُنْتَزَعُ الْمَهَابَةُ مِنْ قُلُوبِ عَدُوِّكُمْ، وَيَجْعَلُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ». قَالَ: قُلْنَا: وَمَا الْوَهْنُ؟ قَالَ: «حُبُّ الْحَيَاةِ وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ»⁽²⁾

«زودیک است، که امت‌ها [غیر مسلمانان] همدیگر را برای تاراج کردن شما دعوت نمایند، چنان‌که برای خوردن غذا افراد را دعوت می‌کنند. راوی می‌گوید: گفتیم: این از جهت کم بودن ما

1- صحیح بخاری.

2- امام احمد و ابوداود و بیهقی آن را روایت کرده‌اند. آل‌بانی در تخریج المشكاة (5369) و همچنین در صحیح سنن ابی داود (4297) و الصحیحة (958) آن را صحیح دانسته‌است.

است؟ فرمود: « بلکه در آن روز بسیارید، ولی مانند خاشاک روی آب سیل پراکنده اید. خداوند، ترس از شمار ازدل‌های دشمنانتان برمی‌دارد و در دل‌های شما ضعف می‌اندازد». پرسیدند: ضعف چیست؟ گفت: « حب دنیا و بد دیدن مرگ».

۲- و بنداری آن چنان مشکل‌گردد، که اهل صلاح و خیر آرزوی مرگ کنند.

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمُرَّ الرَّجُلُ بِقَبْرِ الرَّجُلِ فَيَقُولُ: يَا لَيْتَنِي مَكَانَهُ»⁽¹⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: « کسی از علامت‌های قیامت این است که مردی از کنار قبری بگذرد و بگوید: ای کاش من به جای صاحب این قبر بودم [یعنی می‌مردم] و از این مصیبت‌ها و فسادها نجات می‌یافتم»].

۳- نظام‌های دیکتاتوری حاکم شده و مسلمانان رازیر ظلم و ستم‌خیز می‌گیرند.

«سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ شَرَطَةٌ، يَغْدُونَ فِي غَضِبِ اللَّهِ، وَيَرُوحُونَ فِي سَخَطِ اللَّهِ»⁽²⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: « در آخر زمان مأمورانی [همچون نیروهای نظامی و انتظامی] پیدا شوند، که از صبح در پی کاری برآیند که آن کار، باعث خشم خداوند باشد، و شب هنگام از کاری برگردند که موجب خشم خدا باشد»].

یعنی: از صبح تا شام کارهایی انجام می‌دهند که باعث خشم و نابخشودنی خدای متعال است. بدون شک، این تعقیب و ظلم و ستم آهابه دستور حاکمان ظالم انجام می‌گیرد؛

۴- افزایش مرگ‌های ناگهانی و غیرمنتظره:

«مِنِ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ أَنْ يَرَى الْهَلَالَ قِبَلًا، فَيَقَالُ لِلْيَلِيتَيْنِ، وَأَنْ تُتَخَذَ

1- متفق علیه.

2- حدیث صحیح بوده و امام احمد و طبرانی و حاکم آن را روایت کرده‌اند؛ شیخ آل‌بانی نیز در الصحیحۃ و الکشف (ص 107) آن را ذکر کرده است.

الْمَسَاجِدَ طُرُقًا، وَأَنْ يَظْهَرَ مَوْتُ الْفُجَاءَةِ»⁽¹⁾ «یکی از علامت‌های روز قیامت این است که ماه [در روز اول بر آمدنش] برابر ماه دوروزه دیده می‌شود. دیگر اینکه، مسجد هاراه عبور و مرور می‌شوند [نه عبادت] و مرگ ناگهانی افزایش می‌یابد».

بحث دهم: بعضی امور خیری که از نشانه‌های قیامت می‌باشد

- ۱- منطقه عربستان آبشار و چمنزار گردد؛ چنانکه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكْثُرَ الْمَالُ وَيَفِيضَ وَحَتَّى تَعُودَ أَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا وَأَنْهَارًا»⁽²⁾ «تا ثروتان افزون نشود و عربستان آبشار و چمنزار نگردد، قیامت برپا نشود».
- ۲- راست بون خواب‌ها: در این مورد رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِذَا اقْتَرَبَ الزَّمَانُ لَمْ تَكْذُرُؤِيَا الْمُسْلِمِ تَكْذِبُ، وَأَصْدَقُكُمْ رُؤِيَا أَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا»⁽³⁾ «چون آخر زمان شود، خواب مسلمان دروغ نخواهد بود؛ راست‌ترین خواب، خواب کسی خواهد بود که در سخن گفتن راستگوتر است».

1- المعجم الصغير طبرانی، والأحاديث المختارة اثر ضياء المقدسي. آلبانی در صحیح الجامع الصغير (2/1026) والصحيحة (5/366) آن را حسن معرفی کرده است.

2- صحیح مسلم و مسند أحمد.

3- صحیح مسلم، سنن أبوداود، سنن ترمذی و مسند أحمد.

باب سوم

فصل‌ها در موضوع فتنه

فصل اول: معنای فتنه

س: معنای فتنه چیست؟

ج: کلمه‌ی "فتنه" صیغه مفرد و جمع آن "فتن" می‌باشد. "فتنه" در زبان عربی به چند معنا آمده است:

- ۱- امتحان کردن؛
- ۲- آزمودن؛
- ۳- گمراه کردن؛
- ۴- گمراهی؛
- ۵- اختلاف میان مردم؛
- ۶- عذاب؛
- ۷- بیماری؛
- ۸- جنون؛
- ۹- آشوب و غیره.

س: معنای فتنه در اصطلاح چیست؟

ج: قتنه در اصطلاح، به معنای عذاب، سختی و هر کار نامطلوبی است که به ضرر انسان است؛ مثل کفر، گناه و غیره. اگر قتنه از جانب اللہ تعالی باشد، در آن حکمتی نهفته است. اما اگر از جانب انسان و به غیر امر اللہ تعالی به وقوع بپوندد، مذموم است.

س: چگونه قتنه می تواند از جانب بنده باشد، در حالیکه تمام امور به تقدیر اللہ تعالی در جریان است؟
ج: مثلاً کسی که زندانی می شود، به قتنه و مصیبتی گرفتار شده است. اگر این مصیبت، در راه فرموده‌ی اللہ تعالی باشد، این قتنه از جانب اللہ تعالی است. اما اگر در راهی قدم نهاده که اللہ تعالی منع کرده و در نتیجه‌ی آن زندانی شده، مثلاً به دلیل قتل عمد، دزدی یا راهزنی گرفتار شده است، این قتنه از جانب خود بنده صادر شده؛ هر چند که هر دو آنها در راستای تقدیر الهی بوده است.

س: در قتنه هچاچه حکمتی وجود دارد؟

ج: همه افراد در آرامش و راحتی خود را بنده صالح و پیر و دستورهای او می دانند؛ اما چون با سختی‌ها و دشواری‌ها مواجه می شوند، تنهامونمان صادق و حقیقی در ایمانشان ثابت قدم می مانند. اما کسانی که به دروغ خود را مسلمان می نامند از دین مرتد می شوند. در این موضوع اللہ تعالی می فرماید:

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿٣﴾﴾ [العنکبوت: ۲-۳]

« آیا مردم گمان می کنند که رهای شوند وقتی که گویند ایمان آوردیم و مورد قتنه [یعنی امتحان] قرار ندهند گرفت؟ و به یقین کسانی را که پیش از ایشان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد.»

س: آیا اللہ تعالی انواع قتنه‌ها را ذکر کرده است؟

ج: آری، در آیات زیر:

﴿حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةً﴾ [البقره: ۱۹۳]

« تا که قتنه نباشد.»

مراد از فتنه شرک است. همچنین در آیه زیر:

﴿إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ [النساء: ۱۰۱]

«اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده اند به شما آزار برسانند...».

در اینجا مراد از فتنه، گمراهی است.

فصل دوم: در زمان فتنه حفظ ایمان مشکل می‌گردد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فِتْنًا كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، يُصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا، وَيُمْسِي كَافِرًا، وَيُمْسِي مُؤْمِنًا، وَيُصْبِحُ كَافِرًا، الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ، وَالْمَائِثِي فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي، فَكَسَرُوا قَسِيئَكُمْ، وَقَطَّعُوا أَوْتَارَكُمْ، وَاضْرِبُوا سُيُوفَكُمْ بِالْحِجَارَةِ، فَإِنْ دَخَلَ - يَعْنِي - عَلَى أَحَدٍ مِنْكُمْ، فَلْيَكُنْ كَخَيْرِ ابْنِي آدَمَ»⁽¹⁾ [پیامبر خدا ﷺ فرمود: «قبل از وقوع قیامت، فتنه‌هایی واقع شود، که مثل پاره‌ی شب تار هستند. در آن روزگار، کسی که صبح مسلمان بوده، به وقت شام کافر گردد و اگر شام مسلمان بوده، به وقت صبح کافر شود. کسی که از آن [یعنی اسلام] خارج شده، از کسی که به آن گرویده بهتر است، و کسی که به آن گرویده از کسی که در آن حضور دارد [یعنی مسلمان است] بهتر می‌باشد. در آن روزگار کمان‌های خود را بشکنید و شمشیرها را به سنگ بزنید [تا سبب ریختن خون نشود]. اگر کسی به خانه‌ی شما درآید، عمل بهترین دو فرزند آدم را اختیار کنید».

چنان‌که معلوم است، در فتنه‌ی دو پسر آدم، قانیل و هانیل راکشت و هانیل هیچ مخالفتی نشان نداد، یعنی شما هم مثل هانیل عمل نمایید.

1- آبوداود، احمد، بیهقی و حاکم آن را روایت کرده و شیخ آل‌البانی نیز در صحیح الجامع (2049) و همچنین در الصحیح (535) آن را صحیح دانسته است.

فصل سوم: دین به دنیا فروخته می‌شود

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُمْسِي كَافِرًا، أَوْ يُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا، يَبِيعُ دِينَهُ بَعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا»⁽¹⁾، به ادای اعمال بشنابید، که قتنه‌هایی در پیش است که مانند پاره‌ی شب تاری باشد. در آن زمان، کسی که صبح مسلمان بوده، شام کافر گردد، و برعکس، شام مسلمان بوده و صبح کافر شود و دین خود را برای دریافت منفعت ناچیزی بفروشد.

یعنی بکشید و عمل کنید که در آن روز، پایداری بر دین و عقیده مشکل خواهد بود.

فصل چهارم: به عمل آخرت دنیا طلب کرده شود

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ (بن مسعود): «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا لَبَسْتُمْ فِتْنَةً يَهْرُمُ فِيهَا الْكَبِيرُ وَيَرَبُّو فِيهَا الصَّغِيرُ، يَتَّخِذُهَا النَّاسُ سُنَّةً، إِذَا تَرَكَ مِنْهَا شَيْءٌ قِيلَ: تَرَكْتَ السُّنَّةَ»، قَالُوا: وَمَتَى ذَلِكَ؟ قَالَ: «إِذَا ذَهَبَتْ عُلَمَاءُكُمْ، وَكَثُرَتْ جَهْلَاؤُكُمْ، وَكَثُرَتْ قَرَاؤُكُمْ، وَقَلَّتْ فُقَهَاءُكُمْ، وَكَثُرَتْ أَمْرَاؤُكُمْ، وَقَلَّتْ أَمْنَاؤُكُمْ، وَالْتَمَسَتْ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَتَفَقَّهَ لِغَيْرِ الدِّينِ»⁽²⁾ عبد الله بن مسعود رضی الله عنه فرمود: «قتنه‌ای که شمارا فرگیرد و در آن، بزرگسالان، پیر می‌شوند و خردسالان، کلان می‌شوند و مردم آن را [به عنوان] سنت و اعتقاد انتخاب می‌کنند، چون اگر چیزی از آن ترک گردد، بگویند که سنت ترک شده است. [در آن وضع] حالتان چگونه باشد؟ گفتند: این وضعیت کی روی می‌دهد؟ گفت: زمانی که عالمان شما از بین بروند، جاهلان

1- صحیح مسلم، مسند احمد و سنن ترمذی.

2- سنن دارمی و مستدرک حاکم. شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته و می‌گوید: حدیث موقوف، اما در حکم مرفوع می‌باشد، چرا که این موضوع از امور نبوی بوده و بار آبی و نظر شخصی نمی‌توان به آن پی برد، بالخصوص که هر آن چه در آن ذکر شده از پیشگویی‌های نبوی است.

تان زیاد شوند؛ و قاریان تان زیاد شوند، دانشمندان تان کم شوند، آمران فزونی یابند، امانتداران کم شوند، دنیا را با [چشمداشت] اعمال آخرت طلب کرده شود و علم را برای غیر دین بیاموزند [یعنی علم را برای اهداف دنیایی بیاموزند، نه برای خدا]».

باب چهارم علامت‌های کبری

فصل اول: خروج مهدی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: السُّفْيَانِيُّ فِي عُمُقِ دِمَشْقَ، وَعَامَّةٌ مَنْ يَتَّبِعُهُ مِنْ كَلْبٍ، فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقَرَ بَطُونَ النَّسَاءِ، وَيَقْتُلُ الصَّبِيَانَ، فَتَجْمَعُ لَهُمْ قَيْسٌ فَيَقْتُلُهَا حَتَّى لَا يُمْنَعُ ذَنْبٌ تَلَعَهُ، وَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَّةِ فَيَبْلُغُ السُّفْيَانِيَّ، فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ جُنْدًا مِنْ جُنْدِهِ فَيَهْزِمُهُمْ، فَيَسِيرُ إِلَيْهِ السُّفْيَانِيُّ بِمَنْ مَعَهُ حَتَّى إِذَا صَارَ بَيْنَهُمَا مِنَ الْأَرْضِ حُسْفَ بِهَمِّمْ، فَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ إِلَّا الْمُخْبِرُ عَنْهُمْ»⁽¹⁾ پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مردی که نامش سفیانی است پرچم خود را از دمشق بالای برد. اکثر پیروانش سگ‌ها هستند. او بسیار کشتار خواهد کرد، حتی شکم‌های زنان را می‌درود و هیچ‌کس را زنده باقی نمی‌گذارد. از منطقه‌ی «حیره» [نزدیک مدینه] مردی از اهل بیت من ظهور می‌کند و خبر او به سفیانی می‌رسد. او در مقابلش لشکری می‌فرستد، که آن لشکر را شکست می‌دهد. سپس خود سفیانی با تمام لشکرش به قصد [جنگ با او] به راه می‌افتد، که زمین آنان را در صحرا فرومی‌برد. از لشکر او به جز یک نفر، که خبرشان را می‌آورد، هیچ‌کس نجات نمی‌یابد.»

1- حاکم آن را روایت کرده‌وی گوید: بر اساس شرط شیخین صحیح می‌باشد. امام ذهبی نیز با نظر ایشان موافق است، اما شیخ آل‌بانی می‌گوید: حدیث منکر است. نگا: سلسله‌الاحادیث الضعيفة والموضوعة (14/51، 6520ح).

فصل دوم: ظاهر شدن معدن طلا در فرات

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُوشِكُ الْفَرَاتُ أَنْ يَحْسِرَ عَنْ جَبَلٍ مِنْ ذَهَبٍ، فَإِذَا سَمِعَ بِهِ النَّاسُ سَارُوا إِلَيْهِ، فَيَقُولُ مَنْ عِنْدَهُ: لَيْنَ تَرَكْنَا النَّاسَ يَأْخُذُونَ مِنْهُ لِيُذَهَبَ بِهِ كَلِّهِ، قَالَ: فَيَقْتُلُونَ عَلَيْهِ، فَيُقْتَلُ مِنْ كُلِّ مِائَةٍ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ»⁽¹⁾ پیامبر خدا ﷺ فرمود: «نزدیک است، که در زیر [فرات] یک کوه طلا آشکار شود. زمانی که مردم این را بشنوند به آنجا رهسپار گردند. کسانی که کنار [فرات] هستند، می گویند: اگر کسی مانع مردم نشود، همه ی آن [طلا] را می برند. برای دست یافتن به آن باید گری بجنگند و از هر صد نفر، نود و نه نفر کشته می شوند».

فصل سوم: فتح روم

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ: بَيْنَمَا نَحْنُ حَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَكْتُبُ، إِذْ سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْمَدِينَتَيْنِ تُفْتَحُ أَوْلًا: قُسْطَنْطِينِيَّةٌ أَوْ رُومِيَّةٌ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَدِينَةُ هِرَقْلٍ تُفْتَحُ أَوْلًا» يَعْنِي قُسْطَنْطِينِيَّةً⁽²⁾. وقال أنس: «فَتَحَ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ مَعَ قِيَامِ السَّاعَةِ»⁽³⁾. یعنی: فتح روم. عبد الله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه می گوید: نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نشسته و چیزی را می نوشتیم، که سوال شد: کدام یک از این دو شهر زودتر فتح خواهد شد؟ قسطنطنیه یا روم؟ فرمود: «شهر هرقل، یعنی قسطنطنیه - اول فتح می گردد». انس بن مالک رضی الله عنه هم گفته است: «فتح قسطنطنیه با وقوع قیامت با

1- صحیح مسلم.

2- احمد، دارمی و حاکم آن را روایت کرده اند. حاکم می گوید: بر اساس شرط شیخین صحیحی باشد و ذهبی نیز آن را تایید می کند.

3- ترمذی آن را روایت کرده است. شیخ البانی می گوید: اسناد آن صحیح و موقوف می باشد (صحیح سنن الترمذی، شماره: 223).

هم واقع شوند»، و مراد از قسطنطنیه در قول انس رضی الله عنه شهر روم است، که با قیام قیامت در یک وقت اتفاق خواهد افتاد.

فصل چهارم: دجال

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَخْرُجُ الدَّجَالُ فِي أُمَّتِي فَيَمُكُّثُ أَرْبَعِينَ - لَا أُدْرِي: أَرْبَعِينَ يَوْمًا، أَوْ أَرْبَعِينَ شَهْرًا، أَوْ أَرْبَعِينَ عَامًا»⁽¹⁾. (شک من الراوي). و في رواية الطبراني: «يَخْرُجُ الدَّجَالُ فِي أُمَّتِي فَيَمُكُّثُ فِيهَا أَرْبَعِينَ» «دجال در امت من ظاهر شده در روی زمین چهل روز یا ماه یا سال باقی می ماند». و در روایت طبرانی آمده: «دجال در امت من ظاهر شده در روی زمین، چهل روز باقی می ماند».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الدَّجَالُ يَخْرُجُ مِنْ أَرْضِ بِالشَّرْقِ يُقَالُ لَهَا: خُرَّاسَانُ، يَتَّبَعُهُ أَقْوَامٌ كَأَنَّ وُجُوهُهُمْ الْمَجَانُّ الْمُطْرَقَةُ»⁽²⁾ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «دجال از سرزمین مشرق، که خراسان نام دارد برمی آید و مردمانی که روی هایشان مثل سپر می باشد، او را پیروی می کنند».

در قصه دجال، امام ترمذی باسندی صحیح از رسول الله صلی الله علیه و آله گفته روایت کرده است:

او نزد قومی می آید، و آنان را دعوت می کند، که از وی متابعت کنند، یعنی او را خدا بنخوانند، ولی مردم او را رد می کنند. بعد این دجال پس می رود و اموال آن قوم بعد رفتن وی از بین می رود و مردم با دست خالی باقی می مانند. سپس باز آمده آنان را دعوت می کند و ایشان او را تصدیق می کنند. او سپس آسمان را امر می کند که باران ببارد و آسمان می بارد؛ زمین را امر می کند که گیاه برویاند و زمین می رویاند. وی همچنین

1- صحیح مسلم.

2- ابن ماجه و ترمذی آن را روایت کرده و آن را حسن دانسته اند. شیخ آل‌بانی در صحیح سنن الترمذی حدیث شماره (2237) و در صحیح ابن ماجه حدیث شماره (4072) آن را صحیح دانسته است.

کارهای خارق‌العاده دیگری از خود نشان می‌دهد که باعث گمراهی هزاران نفر می‌گردد. غیر از این، مرده رازنده می‌سازد و سرانجام، حضرت عیسی علیه السلام دجال را از زمین می‌برد. در روایت حاکم به سند صحیح، که ذهبی نیز آن را صحیح می‌داند، آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله گفته اند:

«در روی عالم از روزی پیدایش تا امروز، قتنه‌ای خطرناک تر از قتنه‌ی دجال واقع نشده است.»

فصل پنجم: کشتارِ یهود

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ، فَيَقْتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى يَخْتَبِيَ الْيَهُودِيُّ مِنْ وَرَاءِ الْحَجَرِ وَالشَّجَرِ، فَيَقُولُ الْحَجَرُ أَوْ الشَّجَرُ: يَا مُسْلِمُ يَا عَبْدَ اللَّهِ! هَذَا يَهُودِيٌّ خَلْفِي، فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ، إِلَّا الْعَرَقَدَ، فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْيَهُودِ»⁽¹⁾. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «تا زمانی که مسلمانان به یهودیان نجهنند و کشتار به جایی نرسد که مسلمانان یهودیان را بکشند و آنان ناچار در پشت سنگ‌ها و درخت‌ها پنهان شوند، قیامت برپا نگردد. درختان و سنگ‌های گویند: ای مسلمان، ای بنده‌ی خدا، این یهودی پشت من است؛ بیا و او را بکش، مگر درخت «عرقده» که چون درخت یهودیان است، چنین چیزی نگوید.»

فصل ششم: نزول عیسی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا عَدْلًا، فَيَكْسِرَ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَ الْخِزْيِيرَ، وَيَضَعَ الْحِزْيَةَ، وَيَفِيضَ الْمَالَ حَتَّى لَا يُقْبَلَهُ أَحَدٌ، حَتَّى تَكُونَ السَّجْدَةُ الْوَاحِدَةُ خَيْرًا مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»⁽¹⁾. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «تسم به ذاتی که جانم به دست اوست، نزدیک است که عیسی بن مریم علیه السلام به صفت حاکم عادل از آسمان بیاید، صلیب را بشکند، خوک‌ها را بکشد و جزیه را فرو گذارد (یعنی از کافران، به جز اسلام یا مرگ، شرط دیگری برای تسلیم قبول نکند). مال و اموال فراوان گردد و یک سجده کردن، برای مردم از دنیا و آنچه در آن است، برتر گردد».

بحث در مورد عیسی علیه السلام

س: عیسی علیه السلام کجاست؟

ج: چون یهودیان قصد کردند که عیسی علیه السلام را بکشند، اللہ تعالی او را به آسمان بر آورد.

س: آیا این اعتقاد، ادعای مسیحیان را، که عیسی علیه السلام پسر خداست، تصدیق نمی کند؟

ج: خیر، زیرا در آسمان به غیر از عیسی علیه السلام هزاران فرشته وجود دارد. اگر زنده در آسمان بودن معنای خدایی داشت، نه تنها عیسی علیه السلام بلکه فرشتگان نیز خدا یا فرزندان خدا بودند. اما خداوند متعال تنها بوده و احتیاج به هیچ شریک و فرزندی ندارد.

س: نظر شما درباره‌ی آنچه که پیرامون این موضوع در کتاب‌های مسیحیان آمده است چیست؟

ج: مسیحیان، عیسی علیه السلام را پسر خدای دانند. برخی یهودیان چنین جایگاهی را برای «عذیر» قائلند. برت پرستان نیز فرشتگان را دختران خدای دانند، و هر سه این گروه‌ها هم‌دیگر را تکذیب می کنند. قرآن کریم

هم‌هنگی آنها را به یکباره تکذیب می‌نماید. از این جهت، هیچ تفاوتی میان ادعای مسیحیان و یهودیان و بت پرستان نیست.

س: شامی گوید که محمد ﷺ از عیسی ﷺ برتر است. چگونه او می‌تواند برتر باشد در حالیکه او در گذشته، ولی عیسی زنده است؟

ج: اگر فضیلت در طولانی یا کوتاه بودن عمر بود، اللہ تعالی هرگز فرعون و شیطان را چنین حیات طولانی ای نمی‌داد. دیگر اینکه وفات محمد ﷺ باعث گمراه شدن امت او نشد، ولی زنده و در آسمان بودن عیسی ﷺ سبب گمراهی پیروانش شده است. از همین رو، زنده بودن عیسی ﷺ برای او نسبت به محمد ﷺ هیچ فضیلتی نمی‌آورد؛ وفات محمد ﷺ نیز هیچ چیزی از فضیلت‌های بی‌شمار او کم نمی‌کند. اللہ - سبحانه و تعالی - زنده بودن عیسی ﷺ را برای کسانی که ایمان خالص نیاورند، به صورت قتنه ای در آورده و ایشان به آن قتنه گرفتار شده و عیسی ﷺ را خدای دانند. اما به فضل و کرم الهی، امت محمد ﷺ از این قتنه محفوظ مانده است.

س: فضیلت عیسی ﷺ در معجزه‌هایش، که مرده را زنده می‌کرد نیز ظاهر است؛ ولی محمد ﷺ چنین معجزه ای نشان نداده است؛ چرا؟

ج: مرده را نه عیسی ﷺ و نه محمد ﷺ بلکه اللہ تعالی زنده می‌کند. اما روی دادن این امر به دست عیسی ﷺ حکمتی دارد: عیسی ﷺ آخرین پیامبر از پیامبران بنی اسرائیل است و چنانکه معلوم است، بنی اسرائیل - یعنی یهودیان - بیش از همه اقوام، متمد و سرکش بوده اند و در برابر هیچ معجزه ای سر تسلیم فرود نیاورده اند. از سوی دیگر، خداوند متعال به پیامبرش معجزاتی می‌دهد که باعث پذیرش و اطاعت قومش گردد. از آنجاکه یهودیان سرکش، به غیر از زنده کردن مرده، چیز دیگری را قبول نمی‌کردند، اللہ تعالی به عیسی ﷺ فرمود تا دعا کند و خداوند مرده را زنده کرد. اما برای قوم محمد ﷺ که به اندازہ یهودیان سرکش نبودند، انجام چنین کاری ضروری نبود. کسانی این حقیقت را به درستی درک نکرده اند، بی‌شک به قتنه

می‌افتند. لذا دلیل آنکه محمد ﷺ چنین معجزه‌ای نشان نداد، شاید به خاطر آن باشد که خداوند نخواست مسلمانان مثل مسیحیان گمراه شوند و او را خدا یا پسر خدا بنامند.

بنابر این نشان چنان معجزه‌ای، دلیل بر پایین بودن مقامش نبوده است، بلکه به خاطر حکمتی است، که همانا دور بودن از شرکی است که امت عیسی ﷺ بدان مبتلا شده است. دیگر این که مار شدن عصای موسی ﷺ از زنده کردن مرده هم بزرگتر است. اگر اهمیت و بزرگی معجزه، دلیلی برای فرزند بودن خداوند بود، بی‌گمان موسی ﷺ به آن لایق‌تر بود؛ در حالی که او هرگز چنین ادعایی نکرد. نیز چنانکه معلوم است «دجال» ادعای خدایی کرده و مرده را زنده خواهد کرد؛ اما آیا هیچ عاقلی باور می‌کند که او خدا یا پسر خدا باشد؟ شیطان با توسل به این باور غلط توانست مسیحیان را از توحید دور کند و به تثلیث، یعنی سه خدایی، برساند، که این شرک، همچون آفتاب روشن است.

فصل هفتم: یا جوج و مأجوج

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مِنْ وَدَادِ آدَمَ، وَلَوْ أُرْسِلُوا لَأَفْسَدُوا عَلَى النَّاسِ مَعَايِشَهُمْ، وَلَمْ يَمُتْ مِنْهُمْ رَجُلٌ إِلَّا تَرَكَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ أَلْفًا فَصَاعِدًا»⁽¹⁾. از حضرت عبد الله بن عمرو رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «یا جوج و مأجوج از نسل آدم هستند و اگر رها شوند زندگی مردم را تباہ می‌سازند. هیچ فردی از آن‌ها نمی‌میرد مگر اینکه پیش از هر ار نسل خودش باقی می‌گذارد».

1- طبرانی در المعجم الکبیر، ابن حمید در الفتن و ابوداؤد طیالسی در مسند خود آن را آورده‌اند. این کثیر در "البدایة والنهایة" می‌گوید: «حدیث بسیار غریب بوده و اسناد آن ضعیف است، و در آن ابهام زیادی وجود دارد». همچنین می‌گوید: «این حدیث غریب است، و چه بسا از سخنان ابن عمر به نقل از اهل کتاب باشد که در یرموک آن را شنیده است». همیشه در مجمع الزوائد می‌گوید: «طبرانی در "الکبیر" و "الأوسط"، آن را روایت کرده و رجال آن‌شبهه و قابل اعتمادی باشد». اما شیخ آل‌البانی در سلسله الأحادیث الضعیفة و الموضوعة می‌گوید: حدیث منکر است.

قال رسول الله ﷺ: «وَيَبْعَثُ اللَّهُ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ، وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ» [الأنبياء: ٩٦]، فَيَمُرُّ أَوَّلُهُمْ عَلَى بَحِيرَةِ طَبْرِيَّةَ فَيَشْرَبُونَ مَا فِيهَا، وَيَمُرُّ آخِرُهُمْ فَيَقُولُونَ: لَقَدْ كَانَ يَهْدِيهِ مَرَّةً مَاءً، وَيُحْضِرُ نَبِيَّ اللَّهِ عِيسَى وَأَصْحَابُهُ، حَتَّى يَكُونَ رَأْسُ الثَّوْرِ لِأَحَدِهِمْ خَيْرًا مِنْ مِائَةِ دِينَارٍ لِأَحَدِكُمْ الْيَوْمَ، فَيَرْعَبُ نَبِيَّ اللَّهِ عِيسَى وَأَصْحَابُهُ، فَيُرْسِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ التَّعَفَّ فِي رِقَابِهِمْ، فَيُضْبِحُونَ فَرَسَى كَمَوْتِ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ، ثُمَّ يَهْبِطُ نَبِيُّ اللَّهِ عِيسَى وَأَصْحَابُهُ إِلَى الْأَرْضِ، فَلَا يَجِدُونَ فِي الْأَرْضِ مَوْضِعَ شِبْرٍ إِلَّا مَلَأَهُ زَهْمُهُمْ وَتَنَنُّهُمْ، فَيَرْعَبُ نَبِيَّ اللَّهِ عِيسَى وَأَصْحَابُهُ إِلَى اللَّهِ، فَيُرْسِلُ اللَّهُ طَيْرًا كَأَعْنَاقِ الْبُخْتِ فَتَحْمِلُهُمْ فَتَطْرُقُهُمْ حَيْثُ شَاءَ اللَّهُ»⁽¹⁾. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «خداوند یاجوج و ماجوج را می‌فرستد، آن‌ها از هر بلندی سرازیر می‌شوند، گذر گروه نخست آن‌ها به دریاچه طبریه می‌افتد پس آب آن را می‌نوشند پیشینیان آن‌ها از آنجا رد می‌شوند و می‌گویند: در اینجا یک زمانی آب بوده است. حضرت عیسی و اصحاب او محاصره می‌شوند و محاصره آنچنان شدید خواهد بود که سر یک گاو برای آن‌ها ارزشمندتر از صد دینار برای شما در این وقت است. در آن هنگام حضرت عیسی و اصحاب او به درگاه پروردگار دعا و تضرع می‌کنند پس خداوند متعال کرم «نغفه»⁽²⁾ را بر گردن‌های یاجوج و ماجوج مسلط می‌گرداند و همه آن‌ها در یک لحظه فوت می‌کنند. سپس پیامبر خدا حضرت عیسی و اصحابش از کوه به زمین (صموار) پایین می‌آیند در حالی که همه زمین را بوی جسد متعفن آن‌ها فراگرفته است. اینجاست که پیامبر خدا حضرت عیسی و اصحاب او به درگاه پروردگار دعا و تضرع می‌کنند، سپس خداوند متعال پرنده‌گانی را که به اندازه

1- صحیح مسلم.

2- نغفه: در اصل کرمی است که در یعنی شتران و گوسفندان به وجود می‌آید و موجب مرگ آن‌ها می‌شود و خداوند هم همین کرم را بر گردن‌های یاجوج و ماجوج مسلط می‌گرداند.

گردن شتران بخت⁽¹⁾ هستند می فرستد این مرغ‌ها اجساد یا جوج و ماجوج را حمل می‌کنند و به مکانی که خدا اراده کرده می‌اندازند.»

فصل هشتم: برآمدن آفتاب از مغرب

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا، فَإِذَا طَلَعَتْ مِنْ مَغْرِبِهَا آمَنَ النَّاسُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ فَيَوْمَئِذٍ ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا﴾ [الأنعام: 158]»⁽²⁾. «قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که خورشید از مغرب طلوع کند، پس هنگامی که طلوع کرد، و مردم آن را دیدند، همگی ایمان می‌آورند، در این هنگام، ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده است و یا در همان دوران قبلی که ایمان داشته است، کار نیکی انجام نداده است، به او سودی نخواهد بخشید.»

فصل نهم: دابه‌ی زمین

1- بخت: شتران عظیم الجثه‌ای هستند که دارای دو کوهان می‌باشند.

2- متفق علیه، و لفظ آن از مسلم می‌باشد.

قال الله تعالى: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ [النمل: ٨٢]

«و چون وعده‌ی عذاب بر ایشان واقع شود، (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده‌ای را از زمین برای ایشان بیرون می‌آوریم که با آنها تکلم می‌کند [ومی‌گوید]: مردم [چنان‌که باید] به آیات ما یقین نمی‌کردند».

حافظ ابن‌کثیر می‌گوید:

«در آخر زمان، هنگام فاسد شدن مردم و ترک کردن اوامر الهی و تبدیل دینشان، خدای متعال جانوری را ظاهر می‌سازد که مردم در این موضوع سخن می‌گویند».

آلوسی درباره‌ی ویژگی‌های آن جانوری می‌گوید:

«جانور بزرگی که از نسل انسان نمی‌باشد».

قرطبی به نقل از برخی علمای می‌گوید:

«پس از کشته شدن یاجوج و ماجوج و وفات عیسی علیه السلام چون دوباره مردم به فسق فحور و کفر مبتلا

می‌شوند، این جانور بر آمده و فاسق و فاجر را از مؤمن و صالح جدا می‌کند. در نتیجه، مردم دوباره می‌ترسند و

توبه می‌کنند. سپس آن جانور ناپدید می‌شود و مردم از توبه کفر و فساد گرفتاری گردند. بعد از آن، به امر

خداوند متعال، آفتاب از جای غروبش طلوع می‌کند. چون این حالت به وقوع پیوست، دیگر نه توبه‌ی

کافری پذیرفته خواهد شد، نه اعتذار فاسقی».

فصل دهم: ظاهر شدن دود

قال اللهُ تعالى: ﴿فَأَرْقُبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾﴾ [الدخان: ١٠]

« پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد ».

ابن کثیر می گوید:

در این آیه کریمه دلالت آشکاری است که دود، از نشانه‌هایی است که قبل از وقوع قیامت پدیداری گردد.

ذکر دود در حدیث امام مسلم در زمره‌ی ده نشانه قیامت است. «إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرَوْنَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ - فَذَكَرَ - الدُّخَانَ، وَالذَّجَالَ.....»⁽¹⁾. « قیامت هرگز برپا نمی شود تا

آنکه پیش آن ده علامت را ببینید سپس آن حضرت از دود و دجال و... نام بردند ».

قال: رسول الله ﷺ: «إِنَّ رَبَّكُمْ أَنْذَرَكُمْ ثَلَاثًا: الدُّخَانَ يَأْخُذُ الْمُؤْمِنَ كَالرَّكْمَةِ، وَيَأْخُذُ الْكَافِرَ فَيَنْتَفِخُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ كُلِّ مَسْمَعٍ مِنْهُ، وَالثَّانِيَةَ الدَّابَّةَ، وَالثَّالِثَةَ

الدَّجَالَ»⁽²⁾. پیامبر خدا ﷺ فرمود: « پروردگارتان شمارا از سه چیز بیمی دهد: دود، که به مسلمان

مثل بیماری سرماخوردگی اثر می کند [یعنی چندان آزار دهنده نیست] اما کافر از آن دود، ورم می کند و از تمام

منازب بدنش برمی آید؛ مورد دوم، جانور و سومی دجال می باشد ».

فصل یازدهم: نسیم خوش

1- صحیح مسلم.

2- تفسیر طبری (20/21) و المعجم الکبیر طبرانی (292/3). ابن کثیر می گوید: « اسناد حدیث خوب است ». ابن حجر روایت

ابن جریر طبری را از ابو مالک و ابن عمر نقل می کند و می گوید: « سند هر دو روایت ضعیف است، اما تعدد این

احادیث، باعث تقویت آنها می شود و دال بر اینست که این خبر اصلی داشته است » « فتح الباری » (573/8).

رسول الله ﷺ حال عیسیٰ علیه السلام را بعد قتل یاجوج و ماجوج نقل کرده و از بابرکت شدن اوضاع مسلمانان خبر داده اند؛ از جمله گفته اند:

«فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ بَعَثَ اللَّهُ رِيحًا طَيِّبَةً، فَتَأْخُذُهُمْ تَحْتَ آبَابِهِمْ، فَتَقْبِضُ رُوحَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَكُلِّ مُسْلِمٍ، وَيَبْقَى شِرَارُ النَّاسِ، يَتَهَارَجُونَ فِيهَا تَهَارُجَ الْحُمُرِ، فَعَلَيْهِمْ تَقَوْمُ السَّاعَةِ»⁽¹⁾. «در آن احوال که عیسیٰ علیه السلام به همراه مؤمنان در رفاه و آسایش به سر می‌برند، الله تعالی نسیم خوشی را می‌فرستد که روح همه‌ی مسلمانان را در برمی‌گیرد. پس از آن، فقط این مردمان بدکار باقی می‌مانند، که ایشان نیز مثل خران به یکدیگر حمله می‌کنند؛ آنگاه قیامت واقع گردد».

فصل دوازدهم: ظاهر شدن آتش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَتَخْرُجُ نَارٌ مِنْ حَضْرَمَوْتَ أَوْ مِنْ نَحْوِ بَحْرٍ حَضْرَمَوْتَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ تَحْشُرُ النَّاسَ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ: «عَلَيْكُمْ بِالشَّامِ»⁽²⁾. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «قبل از قیامت آتشی از حضر موت، یا از جانب دریای حضر موت پیدا شده و مردم را [به دور خود] جمع می‌کند». اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا، چه دستوری به ما می‌دهید؟ فرمود: «به شام بروید».

همچنین از قول ایشان آمده است:

«أَوَّلُ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ نَارٌ تَحْشُرُ النَّاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ»⁽³⁾. «اولین علامت قیامت، آتشی است که مردم را از مغرب به جانب مشرق جمع می‌کند [می‌کشد]».

1- صحیح مسلم.

2- احمد و مسند خود و ترمذی در سننش آن را روایت کرده اند، ترمذی می‌گوید: این حدیث حسن صحیح است، شیخ آل‌البانی نیز در صحیح سنن الترمذی آن را صحیح دانسته است.

3- بخاری در کتاب صحیحش آن را به صورت معلق ذکر کرده است.

فصل سیزدهم: سه فرو بردن زمین

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرُونَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ - فَذَكَرَ - الدَّخَانَ، والدَّجَالَ، والدَّابَّةَ، وطلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَنُزُولَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَيَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ، وَثَلَاثَةَ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالمَشْرِقِ، وَخَسْفٌ بِالمَغْرِبِ، وَخَسْفٌ بِمِجْرِبَةِ العَرَبِ...»⁽¹⁾. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «به راستی که قیامت برپا نمی‌شود، تا این که ده نشانه و علامت قبل از آن ببینید: دودی که برمی‌خیزد، دجال، حیوانی که بر مردم بیرون می‌شود، طلوع آفتاب از مغرب، نازل شدن عیسی بن مریم، [پیدایش] قوم یاجوج و ماجوج، سه خسف [فرو رفتن به زمین و ناپدید شدن]: یک خسف در مشرق زمین، دیگری در مغرب زمین، و سومی در جزیره العرب...».

فصل چهاردهم: خراب شدن کعبه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُحْرَبُ الكَعْبَةُ ذُو السُّوَيْفَتَيْنِ مِنَ الحَبَشَةِ»⁽²⁾. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مردی از حبشه، که ساق پای باریکی دارد، کعبه را ویران می‌کند».

فصل پانزدهم: خراب شدن مدینه

عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «يَتْرُكُونَ المَدِينَةَ عَلَى خَيْرٍ

1- صحیح مسلم.

2- متفق علیه.

مَا كَانَتْ لَا يَغْشَاهَا إِلَّا الْعَوَافِ»⁽¹⁾. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «مردم، مدینه رادر بهترین وضعی که دارد، رها خواهند ساخت. آنگاه، حیوانات درنده و پرندگان، آن را اشغال خواهند کرد».

فصل شانزدهم: قرآن از سینه‌ها و کتاب‌ها برداشته شود

قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: «وَلَيُنْتَزَعَنَّ الْقُرْآنُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيكُمْ»، قَالُوا: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، أَلَسْنَا نَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَقَدْ أَتَبْتَنَاهُ فِي مَصَاحِفِنَا؟ قَالَ: «يُسْرَى عَلَى الْقُرْآنِ لَيْلًا فَيَذْهَبُ بِهِ مِنْ أَجْوَافِ الرِّجَالِ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مِنْهُ شَيْءٌ»⁽²⁾. ابن مسعود گفت: «قرآن از بین شما برداشته شود». گفتند: ای ابو عبد الرحمن! مگر ما قرآن نمی‌خوانیم و آن رادر مصاحف نوشته‌ایم؟ ابن مسعود گفت: «شبی می‌گذرد و پس از آن قرآن از سینه‌های مردم [یعنی ذهن و حافظه‌ی مردم] برداشته می‌شود و اثری از آن روی زمین باقی نمی‌ماند».

فصل هفدهم: مردم دوباره به شرک برمی‌گردند

1- متفق علیه.

2- طبرانی در المعجم الکبیر و عبد الرزاق در المصنف آن را روایت کرده‌اند؛ حافظ ابن حجر نیز آن رادر الفتح ذکر کرده و آن را به صورت موقوف صحیح دانسته است.

عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا يَذْهَبُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ حَتَّى تُعْبَدَ اللَّاتُ وَالْعُزَّى» فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُ لِأَظُنُّ حِينَ أَنْزَلَ اللَّهُ: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [التوبة: ٣٣] أَنَّ ذَلِكَ تَامًا. قَالَ: «إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ رِيحًا طَيِّبَةً، فَتَوَفَّى كُلَّ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالَ حَبَّةٍ خَرْدَلٍ مِنْ إِيْمَانٍ، فَيَبْقَى مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، فَيَرْجِعُونَ إِلَى دِينِ آبَائِهِمْ»⁽¹⁾. عایشه رضی اللہ عنہا می گوید: از رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم شنیدم که فرمود: «تا سه لات و عزی (دوبت مشهور دوره‌ی جاهلیت) عبادت کرده نشوند قیامت برپا نگردد. عایشه رضی اللہ عنہا پرسید: ای رسول خدا، هنگامی که خدای تعالی این آیه را نازل کرد که: «اوست، که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا سه آن را بر همه دین‌ها غالب سازد» من گمان می‌کردم که این حکم تاتم است، یعنی دیگر شرک سر بر نمی‌آورد؟ رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم گفت: «این وضعیت، تا وقتی که خداوند خواسته باشد ادله‌ی یابد و پس از آن، پروردگار نسیم خوشی را می‌فرستد و هر که در قلبش به اندازه‌ی دانه‌ی سپند ایمان داشته باشد، خواهد مرد. پس از آن، انسان‌های بی‌خیری باقی می‌مانند و آنان به دین پدرانشان [یعنی به بت پرستی] برگردند».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ عَلَى أَحَدٍ يَقُولُ: اللَّهُ، اللَّهُ».
 وَفِي رِوَايَةٍ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى لَا يُقَالَ فِي الْأَرْضِ: اللَّهُ، اللَّهُ»⁽²⁾. پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود:
 «تا وقتی که در روی زمین یک نفر باقی باشد، و اللہ اللہ بگوید، قیامت برپا نشود». و در روایت دیگر آمده:
 «قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه روی زمین نام اللہ از زبان‌ها محو گردد».

1- صحیح مسلم.

2- صحیح مسلم.

خلاصه‌ی نشانه‌های قیامت

محمد رجب حمادی الولید، مؤلف کتاب «کشف المنن» خلاصه‌ی نشانه‌های قیامت را چنین بیان کرده است:

- ۱- علامت‌های کوچک قیامت واقع شده و مادر انتظار علامت‌های بزرگ آن هستیم؛
- ۲- فتنه‌هایی که رسول اللہ ﷺ خبر داده اند با علامت‌های کوچک قیامت آمیخته هستند؛
- ۳- پناهگاه دوری از فتنه‌ها، کتاب اللہ هست یعنی به عمل کردن به آن؛
- ۴- ظاهر شدن پرچم‌های سیاه، از ظهور مهدی خبر می‌دهند؛
- ۵- پیداشدن معدن طلا زیرود فرات و درگیر شدن مردم به خاطر آن، از نشانه‌های ظهور مهدی است،
- ۶- فرورفتن زمین در «ذوالحلیفه» نشانی از ظهور مهدی خواهد بود؛
- ۷- هیچ‌کسی نمی‌تواند به طایفه‌ی «منصوره» یعنی مسلمانانی که به قرآن و سنت عمل می‌کنند، آسیبی برساند؛
- ۸- طایفه‌ی منصوره تحت رهبر مهدی روم را فتح خواهند کرد؛
- ۹- جنگ‌ها و فتح قسطنطنیه، مقدمه ظهور مهدی است؛
- ۱۰- فتح قسطنطنیه توسط لشکری به وقوع پیوندد که اکثر ایشان فرزندان حضرت اسحاق علیه السلام و از رومی‌ها هستند؛
- ۱۱- اخبار ظهور مهدی به حد توأتر رسیده و انکار ناپذیر است؛
- ۱۲- مهدی، احیاکننده‌ی اسلام است و زمین را مملو از عدالت و انصاف خواهد نمود؛

- ۱۳- عیسی علیه السلام بعد نزولش، به خاطر اکرام و احترام به این امت [مسلمانان] پشت سر مهدی نماز می خواند؛
- ۱۴- مهدی خلافت را به عیسی علیه السلام تسلیم می کند و سپس می میرد و مسلمانان بر جنازه ی وی نماز می خوانند؛
- ۱۵- مهدی اولین علامت بزرگ قیامت محسوب می شود؛
- ۱۶- دجال در آینده ظهور می کند و تمام پیامبران گذشته، امت شان را از او بر حذر داشته اند؛
- ۱۷- دجال با انگیزه ی بازسازی دولت یهود و از بین بردن خلافت اسلامی ظهور می کند؛
- ۱۸- دجال در ابتدا ظاهر به زهد و پرهیزگاری نموده، سپس مدعی نبوت شده و در پایان، ادعای خدایی می کند. او به تمام شهرها- به غیر از مکه و مدینه- رفته و مردم را به آیینش دعوت می کند؛
- ۱۹- عیسی علیه السلام دجال و لشکر او را از بین می برد و در زمین شریعت اسلام را حکم فرمای می کند؛
- ۲۰- یاجوج و ماجوج ظهور می کنند و عیسی علیه السلام به همراه مسلمانان در مقابلشان می جنگد و سرانجام خداوند متعال، آنان را بادعای عیسی علیه السلام هلاک می کند؛
- ۲۱- بعد از طلوع آفتاب از مغرب، دیگر توبه کسی پذیرفته نخواهد شد؛
- ۲۲- خروج آتش، ظهور دود، فرو بردن زمین، خراب شدن کعبه، خالی شدن مدینه از مردم و برداشتن شدن قرآن از سینه ها و کتاب ها، نشانه های نزدیک شدن قیامت هستند.